

# مقررات زدایی و اشتغال

دکتر غلامحسین همیری

## مقدمه

بحث کوچک‌سازی دولت در ساختار نظم نوین جهانی، بازتاب‌های متفاوتی در کشورهای صنعتی، فراصنعتی و درحال توسعه داشته است. آنچه در جوامع فراصنعتی رخ داده است، همانا ایجاد بلوک‌های اقتصادی بزرگ و برداشتن محدودیت‌های جغرافیایی به منظور تسهیل در امر تجارت و استفاده مطلوب از منابع بوده است. در کشورهای صنعتی، کوچک‌سازی به منظور گسترش صادرات و ایجاد مزیت رقابتی در امر تولید کالاهای صنعتی مورد توجه قرار گرفته، در حالی که در کشورهای درحال توسعه، نه تقاضای موثری برای خدمات فراصنعتی وجود دارد و نه بخش صنعت توان ایجاد نوآوری و خلاقیت را در مسیر کالاهای صنعتی برای خود احساس می‌کند. در این شرایط، پذیرش سیاست کوچک‌سازی دولت در کشورهای درحال توسعه از طریق مقررات‌زدایی مصادف با پدیده‌ای شده است به نام بیکاری، که ناشی از عوامل مختلفی است مانند افزایش جمعیت، مهاجرت روستاییان و به‌کارگیری فن‌آوری‌های قابل‌دسترس.

آنچه مورد بحث این نوشتار است، شناخت رابطه بین مقررات‌زدایی و اشتغال در کشورهای درحال توسعه‌ای است که با مشکل تشکیل سرمایه روبرو نیستند.

توضیح این که، واژه مقررات‌زدایی برای کلمه Deregulation مورد استفاده قرار گرفته است و آن هم عبارتست از حذف مقررات دولتی در زمینه قیمت‌ها و عملیات مربوط به سازمان‌های عمومی

(Publicly Owned) از طریق رقابت و ایجاد انگیزه برای کار در بنگاه‌های اقتصادی کوچک. این واژه به‌طوری که در Routledge - دیکشنری اقتصادی آمده است، در دو حوزه قوانین تجاری (حمایت قانونی از مصرف‌کننده، مقررات خدمات مالی و بانکداری بین‌المللی و ساختار مالکیت) و سیاست‌های صنعتی مانند خصوصی‌سازی و مقررات دولتی، به کار گرفته شده است<sup>(۱)</sup>.

مقررات‌زدایی، محصول پشت‌سرگذاشتن جنگ سرد در حوزه سیاست، ورود فن‌آوری‌های رایانه‌ای در حوزه اقتصاد و گسترش خدمات اطلاع‌رسانی در حوزه اجتماع است.

## مقررات‌زدایی

مقررات‌زدایی محصول پشت‌سرگذاشتن جنگ سرد در حوزه سیاست، ورود فن‌آوری‌های رایانه‌ای در حوزه اقتصاد و گسترش خدمات اطلاع‌رسانی در حوزه اجتماع است.

مقررات‌زدایی نتیجه شکست دولت‌ها در امر توسعه کشورهای جهان سوم، پس از کنارگذاشتن ساختار بازار، به‌علت گسترش نیازها در حوزه کالاهای عمومی و ضرورت مداخله دولت به منظور ایجاد رفاه و استفاده بهتر از منابع بشمار می‌رود. کنارگذاشتن بازار به عنوان ساختار تعیین قیمت، و توزیع بهتر کالاهای

خدمات، زمینه مداخله بیشتر دولت‌ها را با تکیه بر ملی‌گرایی و ایدئولوژی‌های موردحمایت فراهم آورد و تقریباً تمامی نیمه دوم قرن بیست را فراگرفت. سپس گسترش فقر و گرایش روزافزون دولت‌ها به سوی نظامیگری، امید ملت‌ها را نسبت به دستیابی به رفاه، امنیت و آسایش از میان برد و دولتمردان که نتیجه کار را مثبت ارزیابی نمی‌کردند، با غارت ثروت ملت، زمینه فرار سرمایه از سوی طبقات کارآفرین، تکنوکرات و بازرگانان را فراهم نمودند.

مایوس شدن پژوهشگران و محققان از فرایند نامطلوب عملکرد دولت‌ها نیز زمینه حرکت به سمت نظم نوین جهانی را در دستور کار سازمان‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB) و سازمان جهانی تجارت (WTO) قرار داد.

در عمل دهه ۱۹۸۰ زمان اعلام رسمی دولت‌های آمریکا و بریتانیا برای خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت و حذف انحصارها در جوامع فراصنعتی امروز بود.

ورود رایانه‌های شخصی (PC) هم در تشدید موضوع و تسهیل ارتباطات با تکیه بر استفاده گسترده از اینترنت و ماهواره‌ها موثر بود و آغاز عصری نو را به نام عصر اطلاعات پیش روی مردم قرار داد. سپس آغاز فعالیت تجارت الکترونیکی یا ورود دانشگاه‌های مجازی (راه دور) یا هنر سینما به محیط خانواده، تحولاتی را به‌دنبال داشت که در شرایط مقرراتی دهه ۱۹۵۰ یا ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میسر نبود. اما به تدریج با ورود رایانه‌های خصوصی و گسترش خدمات

الکترونیکی در دهه ۱۹۸۰، همه تصورات گذشته در هم ریخت و بازسازی و نوسازی جوامع الزامی شد. بدین ترتیب، آزادسازی اقتصادی از حوزه دولتی و احیای سرمایه‌داری در دستور کار قرار گرفت. شاخص‌های اصلی درجه آزادی اقتصادی ملت‌ها نیز بر مبنای زیر استوار گردید، که اساساً محصول مقررات زدایی است:

۱- ابعاد دولت با در نظر گرفتن حجم نیروی کار، هزینه‌ها، مالیات‌ها و مداخله در بازار.

۲- آزادی تجارت بین‌المللی با هدف برداشتن یا کاهش تعرفه‌ها.

۳- تغییر ساختار قانونی و امنیتی و احترام به حقوق معنوی و مالکیت خصوصی.

۴- دسترسی به پول قوی و سالم و اعمال مقررات پولشویی.

۵- اصلاح قوانین بازار کار و اعتبارات به منظور بهبود شرایط دستمزد و نرخ بهره.

برای مثال، بر اساس گزارش بنیاد فریزر وضعیت اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۵ بین ۱۲۷ کشور، از ده امتیاز کل در شاخص‌های فوق به صورت زیر بوده است.<sup>(۲)</sup>

شاخص آزادسازی ایران در سال ۲۰۰۵

شاخص	هداکنتر امتیاز	امتیاز ایران	رتبه در میان ۱۲۷ کشور
ابعاد دولت	۱۰	۶/۵	۴۴
آزادی تجارت بین‌المللی	۱۰	۵/۶	۱۱۱
ساختار قانونی و امنیتی	۱۰	۵/۹	۵۲
دسترسی به پول قوی و سالم	۱۰	۸/۱	۶۶
قوانین بازار کار و اعتباری	۱۰	۴/۷	۱۱۹

### اشتغال

با مروری بر شاخص‌های اصلی آزادی اقتصادی، ملاحظه می‌شود که پایین‌ترین امتیاز ایران مربوط به حوزه بازار کار و اعتبارات بوده است. این بدان معنی است که موفقیت دولت ایران، در حوزه نیروی انسانی و تخصیص سرمایه چندان چشمگیر نبوده است. شرایط سایر کشورها هم متفاوت است؛ برخی از آنها در دسترسی به پول سالم، موفقیتی نداشته‌اند یا در خصوص ابعاد دولت، عملکرد ضعیف‌تری داشته‌اند. با وجود این، برنامه‌های اشتغال‌زایی یا توجه به گسترش بازار خدمات امکان‌پذیر بوده است، اما

تقاضای بالفعل برای اینگونه خدمات که امروزه بیش از ۶۵ درصد اشتغال جوامع فراصنعتی را تشکیل می‌دهد، بسیار اندک است و ضرورت آن نیز احساس نمی‌شود، زیرا جامعه در موج اول و دوم (سنی و صنعتی) گرفتار آمده است و کشورهای فراصنعتی نیز برای عبور دادن این جوامع از حالت "درحال توسعه" به سوی مرزهای فراصنعتی استقبالی نشان نمی‌دهند. این درحالیست که به تدریج حضور زنان در محیط‌های دانشگاهی در غالب رشته‌ها بر مردان پیشی می‌گیرد، هرچند که درصد زنان در پست‌های مدیریتی کشورهای درحال توسعه به سختی به ده درصد می‌رسد.

جالب توجه است که این باور نیز وجود دارد که با قوانین و ظرفیت‌های اداری موجود می‌توان مسیر توسعه را طی کرد، در حالی که حداقل، شاخص‌های بهره‌وری نشان می‌دهند که شاغلان زیر ظرفیت اسمی مورد استفاده قرار می‌گیرند و به نظر می‌رسد که برای رسیدن به ظرفیت‌های خلاق، مسیر حرکت با بن‌بست روبرو شده است. درحقیقت، مقابله با کم‌کاری، بیکاری و جهت‌دادن این فرایند به سوی درست‌کاری و خدمت‌گزاری، یا موانع فرهنگی و سیاسی نیز روبرو

صورت نمایشی به کار مشغول هستند و بعضاً این مشاغل درآمد‌های بادآورده‌ای را به چرخه پول‌های ناسالم تزریق می‌کنند.

همانطور که در غرب فراصنعتی، دنیای مک‌دونالد (McWorld) با فن‌آوری، اکولوژی، ارتباطات و تجارت‌گره خورده است<sup>(۳)</sup>، در جهان سوم نیز اشتغال با مسایل امنیتی، پول‌های کثیف و بازارهای انحصاری آمیخته شده است. از این رو، انتظار معقول از مقررات زدایی، همانا بهبود شرایط اشتغال و اهمیت دادن به سرمایه‌های انسانی است.

### مردم منافع فردی را بر منافع عمومی

ترجیح می‌دهند و مفهوم اشتغال با کار آبی صفر در حوزه مشاغل دولتی - تا حدی - قابل قبول است.

وجود جمعیت فراوان و بیکاری گسترده، حوزه تقسیم کار و مسوولیت‌پذیری را آلوده ساخته و شاغلان نیز برای حفظ موقعیت خویش سر تسلیم در مقابل تمامی عملکردهای نادرست فرودآورده‌اند از سوی دیگر، چشم‌پوشی در برابر ارتش، عدم پرسشگری و فضای ناسالم اداری در دولت‌های خودکامه، امر اشتغال را بیش از پیش با بحران روبرو کرده است.

### اصلاحات

اصلاحات (Reform) و مهندسی مجدد (Re-engineering) هر دو از ابزارهای مناسب برای بهبود شرایط مقررات زدایی و اشتغال محسوب می‌شوند. مفهوم اصلاحات، به معنی آغاز مجدد برای سازندگی است، و اصلاح طلب به کسانی اطلاق می‌شود که خواهان بهبود نظام یا موقعیت، به‌ویژه در حوزه سیاست می‌باشند، در حالی که مهندسی مجدد به اصول و روش‌های سازماندهی و مدیریت نوین می‌پردازد. Hammer (۱۹۹۳) مهندسی مجدد را در سطح "منشور انقلاب سازمانی" توصیف می‌کند. در نگاه استادان مدیریت، بحران دست‌بردار نیست، مشتریان همواره در حال دگرگونی هستند و تصمیم‌گیری با کارکنان است<sup>(۴)</sup>.

اصلاحات در حوزه اشتغال سه زمینه را می‌تواند شامل شود:

است. درواقع، مردم منافع فردی را بر منافع عمومی ترجیح می‌دهند و مفهوم اشتغال با کار آبی صفر در حوزه مشاغل دولتی - تا حدی - قابل قبول است. پذیرش "برنامه‌های تحول" در دستور کار دولت نیز به منزله قطعیت دادن به کارهای غیرمولد و چرخه نامناسب کارهای زاید، موضوعی شناخته شده است. اشتغال‌های پنهان و آرایشی (Cosmetic) بخش قابل توجهی از "بحران اشتغال" را منعکس می‌سازند. و درعمل، بازار کار به صورت دوگانه، چندشغلی و ناکارآمد، سیکل معیوب ارتباطات در بنگاه‌های اقتصادی را شکل داده است. افراد به

اول، قوانین مربوط به اشتغال که به بررسی مسایلی مانند پرداخت‌های یکسان، حداقل دستمزد، و ساعات کار می‌پردازد.

دوم، سیاست‌های نیروی کار (Manpower) که آموزش و تعلیم و تربیت را هدف قرار می‌دهد.



داشتن فهم درست از موضوع مقررات زدایی و اشتغال، می‌تواند مسیر رفتارهای ما را درخصوص تعهد، کیفیت کار و انعطاف‌پذیری تغییر دهد.



و نهایتاً، سیاست‌های مالی و پولی که مسیر اشتغال‌زایی دولت را ترسیم نموده و امنیت و سکون مردم را هدف قرار می‌دهد.

هر سه این عوامل، با توجه به عرضه و تقاضای نیروی کار و پاداش و نحوه پرداخت دستمزد سازماندهی می‌شوند.

ابعاد درگیرشدن کارکنان با دو محور سطح سازمانی و درجه قدرت‌دادن به سرمایه‌های انسانی با

توجه به نوع درگیرشدن کارکنان با محیط روشن می‌شود. اصولاً کارکنان یا بصیرت لازم را برای تصمیم‌گیری ندارند، یا در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند و در حالت سوم نیز به عنوان تصمیم‌گیرنده عمل می‌کنند. بدیهی است که با بالا رفتن سطح مهارت نیروی کار، مسیر ورود به حلقه تصمیم‌گیری هموار می‌شود.

اصلاحات چیزی نیست که کنار گذاشته شود و یا جایگاهش در ساختار خرد و کلان جامعه تضعیف شود. نهادهای اجتماعی همواره درصدد مقابله با بحران‌ها، حفظ شرایط و بهبود امور هستند. این تقاضا همواره برای اصلاحات وجود دارد. مقررات زدایی نیز می‌بایست مسیر اصلاحات را تلطیف، آرام و تسهیل نماید. تحقق این هدف در عمل مستلزم شناخت عمیق از نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی است و به جرأت می‌توان گفت که این شناخت در هیچ جامعه‌ای محقق نشده است. از اینرو، نقش قوه مقننه در شناخت قوانین بازدارنده و قوانین شتاب‌دهنده را نمی‌توان نادیده گرفت. قوه مجریه در این میان مجری و ناظر بر مقررات اعمال شده است. و فساد در دستگاه‌های

دولتی، نشأت گرفته از عدم توجه به قوانین اعمال شده است. برای مثال، رابطه بین کم‌کاری و دستمزد، ناشی از عدم شناخت رابطه بین مقررات و اشتغال است. و یا پدیده مهاجرت مغزها و فرار سرمایه‌ها محصول اثربخشی قوانین و مقررات در رفتار سرمایه‌های انسانی و کارآفرینان می‌باشد.

بنابراین، اصلاحات مسیر مقررات زدایی و اشتغال را آبیاری می‌کند و محصول آن هم بهبود وضعیت شاخص توسعه انسانی (HDI) می‌باشد که در سطح کلان معیار مناسبی برای توسعه است. از اینرو، نوع فهم و چگونگی برداشت ما از توسعه، مسیر اصلاحات و رابطه بین قوانین و مقررات را با اشتغال دگرگون می‌سازد، به طوری که اگر توسعه را امری درون‌زا تلقی کنیم، قوانین و مقررات خاص خود را می‌طلبند و نتیجتاً اشتغال حاصله، محصول نحوه نگاه ما به موضوع توسعه است، در حالی که اگر توسعه را امری برون‌زا بدانیم، قوانین و مقررات دیگری را می‌طلبند و اشتغال به‌وجودآمده نیز کاملاً متفاوت با اشتغال از نوع اول است.

از این رو، به نظر می‌رسد که اصلاحات الزامی



▲ مروری بر وضعیت شاخص‌های اصلی آزادی اقتصادی، نشان می‌دهد که دولت ایران در زمینه نیروی انسانی و تخصیص سرمایه چندان موفق نبوده است.

(عکس از محمدرضا شاهرخی‌نژاد - همشهری)

است و حفظ وضع موجود، هدف نیست. بنابراین، داشتن فهم درست از موضوع مقررات‌زدایی و اشتغال، می‌تواند مسیر رفتارهای ما را در خصوص تعهد، کیفیت کار و انعطاف‌پذیری تغییر دهد.

### توسعه منابع انسانی

مشکل اصلی در منابع انسانی "پایداری در امر مزیت‌های رقابتی" است، که نه در بحث‌های نظری و نه در عمل کار چندان ساده‌ای نیست، زیرا به سهولت نمی‌توان نیروی انسانی را با استراتژی‌های بنگاه‌های اقتصادی در سطح خرد و اهداف کلی نظام در سطح کلان، آشتی داد.

توانایی‌ها، استعدادها و رفتارهای نیروی کار، که در مسیر بهره‌وری، کیفیت و سودآوری موثر هستند، عوامل مهمی در مدیریت منابع انسانی بشمار می‌روند. قوانین و مقررات می‌بایستی در جهت هماهنگ‌نمودن توانایی‌های فیزیکی و استعدادهای ذهنی، رفتارهای مطلوبی را پیش روی ما قرار دهند، به طوری که از انجام کار در مقابل دستمزد، احساس رضایت نیز حاصل شود. این مهم در کشورهای درحال توسعه که دستمزدها پایین‌تر از کارایی نیروی کار در فرایند تولید کالا و خدمات است، معضلاتی را در زمینه تضعیف قوانین و مقررات فراهم می‌آورد، و در درازمدت "قانون‌شکنی" را به عنوان نوعی واکنش نامناسب رفتاری به دنبال خواهد داشت.

اصلاحات واقعی به معنای تحقق تغییراتی است که آثارش در رفتار دولت و وضعیت اشتغال آشکار شود و شاخص توسعه را نیز بهبود بخشد.

زیاد هستند و اتکای بیش از حد دولت‌ها به این قوانین، در درازمدت ثبات و تعادل کلی را از بین می‌برد. مداخله دولت در ساختار اجتماعی - اقتصادی نباید محدودیتی را برای توسعه برنامه‌های اشتغال در کل نظام ایجاد کند. اصلاحات عملاً دو حوزه اساسی مداخله دولت و برنامه‌های اشتغال (مبارزه با فقر) را می‌بایست زیر پوشش بگیرد. در این چارچوب مدل ساده زیر را می‌توان ارایه نمود:

$$DI = (GI + EP) RR$$

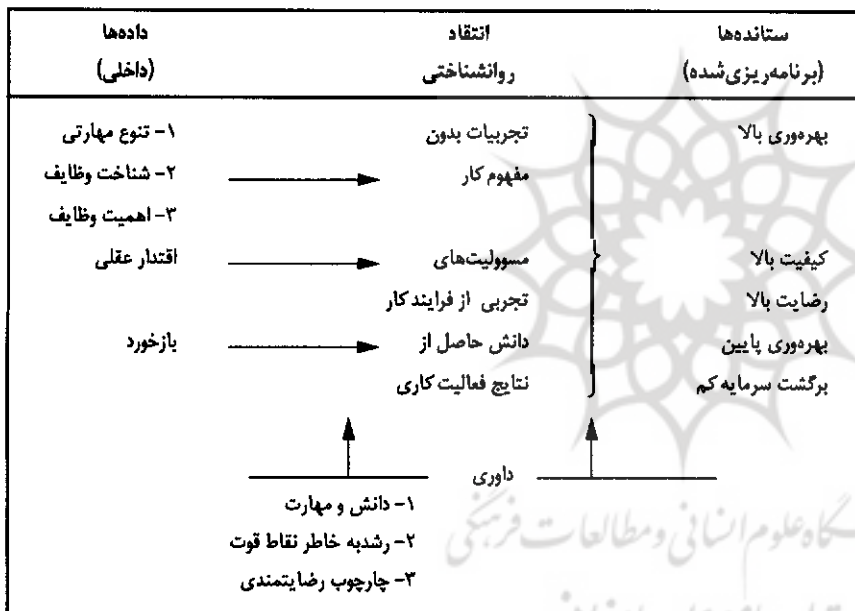
که در آن DI شاخص توسعه، GI میزان مداخله دولت، EP برنامه‌های اشتغال و RR اصلاحات واقعی است. این مدل در سطح کلان، مفهوم توسعه را از منظر

می‌دهند و Hackman و Oldham (۱۹۸۰) نیز آن را در قالب یک مدل تغییر ساختار کار ارایه می‌دهند<sup>(۹)</sup>. بازنگری این دیدگاه‌ها در قالب مدل مشخصه‌های کار Hackman در نمودار شماره یک قابل‌رویت است.

مدل Hackman بر غنی‌سازی شغلی به عنوان موثرترین عامل طراحی مشاغل تاکید دارد. مقررات‌زدایی می‌بایست زمینه اشتغال کارآمد را در ساختار خرد و کلان جامعه توجیه کند. این فرایند می‌بایست به درستی تفهیم شود و تعارضات حاصل در سطح خرد با کلان از میان برداشته شود. از این رو، نقش دولت در این فرایند حایز اهمیت است.

نمودار شماره یک

مدل مشخصه‌های کاری Hackman و Oldham - ۱۹۸۰



### پیشنهاد مدل ساده

اگر متغیرهای کلیدی بحث فوق را به صورت مناسب و تاثیرگذار کنار هم بگذاریم، آنگاه مقررات‌زدایی می‌بایست در جریان ظرفیت‌سازی نقش کلیدی را عهده‌دار شود، در حالی که امروزه حجم انبوه مقررات، تعرفه‌ها، نحوه قیمت‌گذاری و نرخ‌های بهره مانع اصلی گسترش فعالیت‌های اقتصادی بشمار می‌روند.

روند توسعه، دربرگیرنده کوچک‌سازی دولت به مفهوم مقررات‌زدایی و ساماندهی برنامه‌های اشتغال است، اما قوانین ازدره‌خارج شده و دست‌وپاگیر بسیار

اصلاحات واقعی (اجتناب از اصلاحات نمایشی) نشان می‌دهد.

حوزه مداخله دولت - برای مثال - تعیین تعرفه‌ها در امر تجارت است و با افزایش یا کاهش تعرفه، بازار کار و اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی دچار نوسان می‌شود. شناخت سیاست‌های مالی و پولی به عنوان ابزار مداخله‌کننده نیز برنامه‌های اشتغال در بخش‌های مختلف را دگرگون می‌سازد. اصلاحات واقعی به معنی تحقق تغییراتی است که آثارش در رفتار دولت و وضعیت اشتغال آشکار شود و شاخص توسعه را نیز بهبود بخشد. بدیهی است که بهبود

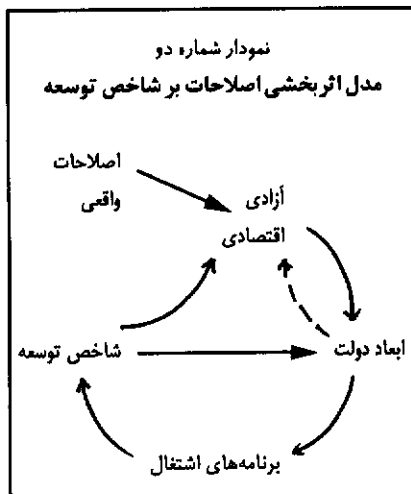
از این رو، مدیریت منابع انسانی (HRM) در کشورهای درحال توسعه بیشتر مبتنی بر اعمال قدرت است، که در عمل بازتاب‌های منفی خاص خود را دارد. امروز دیدگاه‌های نظری را که مرور می‌کنیم، از سلسله‌مراتب نیازهای<sup>(۵)</sup> Maslow (۱۹۵۴) تا تئوری X و Y<sup>(۶)</sup> McGregors (۱۹۶۰) و تئوری عوامل محرک بهداشتی<sup>(۷)</sup> Herzberg (۱۹۶۶) تا تئوری انگیزشی انتظار<sup>(۸)</sup> Vroom (۱۹۶۴) همه تکمیل‌کننده مشخصه‌های کار در فرایند روانشناختی انتقادی هستند که افراد در کار گروهی از خود نشان

تصمیم‌گیری نیز به مفهوم خلق ظرفیت‌های بیشتر و حق انتخاب وسیع‌تر با توجه به اولویت‌های کارگزاران اقتصادی است. بدیهی است که این پدیده می‌بایست همواره با نظارت و ارزشیابی سازماندهی شده همراه باشد و کجروی‌های احتمالی نیز از قبل پیش‌بینی شوند.

### منابع

- 1) Rutherford, Donald / 2002 / Routledge Dictionary of Economics / 2nd ed. / P.138 / Routledge.
- 2) Frazer Foundation / 2005 / Economic Liberation Report.
- 3) Waters, Malcolm / 1995 / Globalization \_ Key Ideas / 2nd Edition / P.222 / Routledge.
- 4) مایکل همر - جیمز شامپی / ۱۳۸۱ / مهندسی دوباره شرکت‌ها - منشور انقلاب سازمانی / ترجمه رضایی‌نژاد، عبدالرضا / چاپ چهارم / موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- 5) Maslow, A. / 1954 / Motivation & Personality / NewYork: Harper and Row.
- 6) McGregor, D. / 1960 / The Human Side of Enterprise / NewYork: McGraw-Hill.
- 7) Herzberg, F. / 1966 / Work and the Nature of Man / Chicago, III / World Publishing Company.
- 8) Vroom, V.H. / 1964 / Work and Motivation / NewYork: Johnwil.
- 9) Hackman, J.R. and Oldham, G.R. / 1980 / Work Redesign / NewYork: Addison - Wesley.

\* برای اطلاعات بیشتر، به مقالات نویسنده در شماره‌های قبلی مجله بانک و اقتصاد، یعنی مقاله بحران اشتغال در کشورهای درحال توسعه شماره ۶۰، مردادماه ۱۳۸۴ و مقاله توسعه‌نیافتگی و اشتغال شماره ۵۹، تیرماه ۱۳۸۴ مراجعه شود.



### پیشنهاد

موضوع مقررات‌زدایی از محوری‌ترین مباحث اصلاح ساختار دولت‌ها بشمار می‌رود. این هدف در زمانی تحقق می‌یابد که روند مقررات‌زدایی در مسیر ظرفیت‌سازی باشد و منابع را به صورت کارآمد مورد استفاده قرار دهد. روند اثربخشی هم از طریق مدل ساده ریاضی‌ارایه گردید. مدل اثربخشی اصلاحات بر شاخص توسعه نیز در تبیین موضوع کمک خواهد کرد. اما آنچه اهمیت دارد، فهم حلقه ارتباط بین آزادی اقتصادی و شاخص توسعه در فرایند مقررات‌زدایی (کوچک‌سازی دولت) و برنامه‌های اشتغال است. حلقه گمشده در این فرایند نیز آزادی اقتصادی است که بالفعل ابعاد دولت را هدف قرار می‌دهد و دولت در مسیر کوچک‌سازی ممکن است دچار چرخه باطل شود و مسیر برنامه‌های اشتغال غیرفعال باقی بماند. برای حذف این چرخه، به کارگیری و اتکای به آزادسازی، نظام اجتماعی - اقتصادی را پویا خواهد ساخت.

فهم بهتر مساله مقررات‌زدایی، موجب کاهش محدودیت‌ها و فراهم‌نمودن دامنه گسترده‌تری برای تصمیم‌گیری کارگزاران خواهد شد. گسترش فضای

شاخص توسعه، به مفهوم فقرزدایی، ارتقای سطح معیشتی مردم و بالا بردن درآمد سرانه است.

برنامه‌های اشتغال شامل اشتغال در بخش عمومی و خصوصی است. اصلاحات در این فرایند، مسیر اشتغال‌های مولد را مهیا می‌سازد و بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد.

مزایای این مدل در درک ساده متغیرهای کلیدی است که همواره فهم مسایل را دشوار می‌کند. لذا به سهولت می‌توان فرایند تحولات را در یک نگاه خلاصه کرد. مزیت دیگر این مدل، اثربخشی اصلاحات بر روند مداخله دولت در ساختار از یکسو، و برنامه‌های اشتغال‌زایی از سوی دیگر است.

اما مشکل اصلی اینگونه مدل‌ها کمی‌کردن است، که به علت تنوع بخش‌های اقتصادی و روابط بین‌بخشی، نمی‌توان به سهولت شاخص توسعه را اندازه‌گیری نمود.

در عمل، چنانچه متغیرهای مدل از نظر آماری موجود باشد، ساده‌ترین شکل اندازه‌گیری شاخص توسعه را می‌توان پیش رو داشت. درواقع، با استفاده از تکنیک‌های آماری، می‌توان متغیرهای میزان مداخله دولت، برنامه‌های اشتغال و اصلاحات را به صورت یک واحد معین (درصد) تعیین نمود، ضمن آن که می‌توان برای اصلاحات هم دامنه معینی را تعریف کرد.

تغییر اولویت دولت‌ها به منزله تغییر در مقدار GI است، که به صورت غیرمستقیم اثراتی مختلف بر EP برجای می‌گذارد. تغییر اولویت دولت‌ها می‌بایست برپایه اصلاحات واقعی پایه‌گذاری شود. چنانچه اولویت‌های دولت بر اساس داده‌های متغیر انتخاب شده باشد، روند اصلاحات با بهبود شاخص توسعه همراه خواهد بود و می‌توان بدین ترتیب، آزمون‌های کارنامه دولت را نیز در دست داشت.

مدل اثربخشی اصلاحات بر شاخص توسعه نیز در نمودار شماره دو قابل‌ارایه است. در این مدل، آزادی اقتصادی در مسیر اصلاحات تحت‌تاثیر شاخص توسعه است و بر ابعاد دولت اثر می‌گذارد.

**ما را از پیشنهادها و نظریات خود بهره‌مند کنید.**